

از حکایت «ظلم بر کوتاه قد» تا حکایت «فالوده»

۱۲ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۲۳

انوشیروان روزی به دادرسی نشسته بود. مردی کوتاه قامت فراز آمد و بانگ دادخواهی برداشت . . .

جوان و تاریخ- حکایت تاریخی

ظلم بر کوتاه قد انوشیروان روزی به دادرسی نشسته بود. مردی کوتاه قامت فراز آمد و بانگ دادخواهی برداشت. خسرو انوشیروان گفت: کسی بر کوتاه قامت ستم نتواند کرد. گفت: شهریار! آن که بر من ستم راند، از من کوتاه تر است. خسرو بخندید و دادش بداد.

فالوده ابوالعینا بر سفره ای بنشست. فالوده ای برابرش نهادند. مگر کم شیرینی بود، گفت: این فالوده را پیش از آن که به زنبور عسل وحی شود ساخته اند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۶۳/حکایت-ظلم-کوتاه-ظلم-حکایت>